

* از باید‌ها؛ این که اگر پاسخی یا ارائه‌ی طریقی هر چند ناقص از سوی دانش‌آموزی مطرح شود به همان اندازه که صحیح است او را تشویق کنیم و به او پاداش مناسب بدهیم.

با تعدادی خاص از دانش‌آموزان درگیر بحث و گفت‌وگو نشویم بلکه براساس عدالت خواهی که قبلاً اشاره شد به همه‌ی کلاس توجه و همه‌ی کلاس را درگیر بحث و گفت‌وگو کنیم.

* نباید‌های: کلاس فعال این که به هیچ وجه در برابر پاسخ اشتباه یا ارائه‌ی غلط یک راه‌حل، عکس‌العمل منفی نداشته باشیم بلکه با یک کرامت و بزرگواری از خطای ذهنی و مهارتی دانش‌آموز تغافل کرده، به عنوان یک نظر از پاسخ او گذشته و به نظر دیگر دانش‌آموزان توجه کنیم.

بدترین شکنجه‌ای که برای یک دانش‌آموز در کلاس متصور است، تحقیر در جمع یا نصیحت شدن در میان هم‌سالان است. بی‌توجهی به این نکته ارتباط شاگرد را با معلم قطع می‌کند و دیگر دانش‌آموز حاضر به شرکت در یک کلاس فعال نخواهد بود.

ارزش‌گذاری معلم

دانش‌آموزان در کلاس یا خارج از کلاس فعالیت‌هایی را به شکل‌های مختلف از خود بروز می‌دهند. و اصطلاحاً تولید می‌کنند، دفترنویس (تکالیف)، انجام کارهای دستی و

تولید برخی دست‌سازه‌ها و آوردن آن به کلاس، انجام پروژه، ارائه‌ی یک کار تحقیقی، ارائه‌ی یک راه‌حل، اظهار نظر، مسئولیت‌پذیری و انجام آن مسئولیت و... ما در جایگاه یک معلم هیچ‌گاه شایسته نیست که در اولین برخورد با ارائه‌ی این‌گونه فعالیت‌ها، ابتدا به اشتباهات، مشکلات، و ایرادات آن کار توجه کنیم، برعکس ضرورت دارد به نکات و نقاط مثبت آن کار توجه و علاقه نشان دهیم؛ مثلاً با بیان این که برای انجام این کار چه قدر وقت گذاشته‌ای، از چه کسانی کمک گرفته‌ای، و خلاصه لحظاتی درباره‌ی جنبه‌های مثبت کار انجام شده صحبت کنیم. در این حالت دانش‌آموز به یک اعتماد به نفس از توأمندی‌های خود می‌رسد.

دیگر دانش‌آموزان نیز ترغیب می‌شوند که فعالیت‌های خارج از کلاس و اضافی انجام دهند، چرا که به تلاش آنان ارجحیت داده می‌شود. چنانچه اشکال بارز و غیرقابل اغمازی در کار بود می‌توان از دانش‌آموزان خواست که آن‌ها نیز اظهار نظر کنند. معلم می‌تواند معایب کوچک را نیز خود در خارج از کلاس به‌طور صمیمی و دلسوزانه به دانش‌آموز گوشزد کند. تا به این ترتیب به کرامت انسانی او لطمه‌ای وارد نشده باشد.

نتیجه

در کنار آموزش‌های رسمی، که

همان تدریس حوزه‌ی مشخص علمی و بر عهده‌ی معلم است، چنین معلمی توانسته است ابعاد شخصیتی صحیحی را در وجود دانش‌آموز ماندگار کند.

فرمول‌های ریاضی، راه‌حل‌های مسایل، اسامی مکان‌ها و اشخاص و بسیاری دیگر از آموزه‌های رسمی ممکن است پس از مدتی در ذهن دانش‌آموز کم‌رنگ شده، پاک شود، لیکن، منش و شخصیت متعادل و مطلوب یک معلم، توانسته است یک انسان متعادل، خیراندیش، فداکار، خوش‌نیت و بزرگواری تربیت کند. توجه داشته باشیم که دانش‌آموزان ما، امانت‌های خداوند، و نهال‌های نوپایی هستند که رفتار و کردار ما مستقیماً احساسات و عواطف و سپس عقل و منطق و بالاخره روح آنان را متأثر می‌کند و حقایقی را نهادینه می‌کند؛ از این رو مناسب است در همه‌ی رفتارهای خود از تنبیه و تشویق گرفته تا قضاوت‌ها، موضع‌گیری‌هایی که تا کنون داشته‌ایم را بازنگری کنیم.

پایان بخش این بحث گفتاری از حضرت علی علیه‌السلام است که نشان‌دهنده‌ی نگاه والای آن حضرت به متعلمان است:

آن‌کس که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته‌تر به تعظیم است از آن‌کس که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد.*

زیرنویس

* نهج‌البلاغه، سیدجعفر شهیدی، حکمت ۷۳.

■ شما هم زمان تدریس دانش آموزان و دبیران را برعهده داشتید، این هم زمانی چگونه بود؟

□ آن زمان در مدرسه‌ی تیزهوشان شهرری و دبیرستان علامه حلی تهران کار کردم. این از خوشبختی من بود، بسیاری از دوستانم از میان همین شاگردان هستند. ببینید کار کردن در جایگاه یک معلم ویژگی‌های خاصی دارد، می‌تواند شامل استادی در دانشگاه هم بشود، اما قطعاً مخاطب در دریافت پیام فرق می‌کند. معلم در دوره‌ی راهنمایی نسبت به دبیرستان و دانشگاه با یک سرخوشی و معصومیت کودکانه مواجه می‌شود. فضا منبسط است و در اختیار آن‌ها، بسیار انرژی می‌طلبد و روابط نزدیک

است». هیچ معلمی نیست که جدا از یادگیری و آموزش باشد و اگر به این جا برسیم که می‌خواهیم یاد بدهیم و دیگران را دعوت کنیم به یادگیری و در جایگاه برتر بنشینیم، فکر می‌کنم تعلیم و تربیت متوقف خواهد شد. به همین دلیل همه‌ی ما نیاز به یادگیری داریم و باید زمینه‌ی پذیرش و آمادگی را برای یادگیری داشته باشیم و در این دوران همیشه من آموخته‌ام.

■ کلاس درس برایتان چگونه جایی است؟

□ کلاس درس برای من مکانی است که خودم را مرور می‌کنم و در معرض یادگیری جدید قرار می‌دهم. من تلاش می‌کنم تا همیشه چیز تازه‌ای بیاموزم، حتی این که

معلم باید فارغ از خویشتن باشد

رضا محمدی، معلم نمونه و مدرس مراکز تربیت معلم و نویسنده، قریب به ۵۰ سال عمر خود را وقف تدریس و آموزش کرده است. وی مدرس دروس تخصصی جغرافیا در دانشگاه آزاد اسلامی است و سه کتاب هم تألیف کرده است. محمدی فارغ التحصیل کارشناسی ارشد از دانشگاه شهید بهشتی در رشته‌ی جغرافیاست و تدریس را از سال ۶۰ آغاز کرده است. از سال ۷۱ با مراکز تربیت معلم همکاری خود را در خصوص تحلیل محتوای آموزشی شروع کرد. از وی در مورد زندگی و خوشبختی می‌پرسیم. او می‌گوید: «هیچ سختی و رنجی نمی‌تواند مرا از پای در بیاورد، من یک معلم هستم و به گونه‌ای زندگی کرده‌ام که اگر تمام شرایط اجتماعی علیه من باشند، در کوه و بیابان هم تنها باشم می‌توانم راحت زندگی کنم. برای آن که آدم خوشبختی باشی، باید آدم‌های خوب دوروبرت باشند و بخت یار من بود که در میان دانش آموزان، این منابع انرژی بودم و با آن‌ها همراه». راجع به تدریس و شیوه‌های تدریس و حال و هوای معلمی با وی سخن گفتیم که بخش‌هایی را برایتان می‌آوریم.

گفت‌وگو: انسیه صدق

چگونه و با چه شیوه‌ای در کلاس کار کنی را هم از خود کلاس و دوره‌ی تحصیلی می‌توانی بگیری.

■ برای آموزش دوره‌ی راهنمایی شما کدام شیوه را مناسب می‌دانید؟

□ در تدریس کارآمد خصوصیات معلم مهم است. جبران خلیل جبران می‌گوید: «شما می‌گویید که زندگی عین سیه روزیست و من نیز می‌گویم آری، اما اگر کاری نباشد، و کار نیز بی‌ثمر است اگر علمی نباشد و علم نیز بی‌ثمر است، اگر ایمانی نباشد و ایمان نیز بی‌ثمر است اگر عشقی نباشد.» یعنی ما باید از عشق نشسته به ایمان پر بار شویم، از علم که تبدیل به کار می‌شود، شروع کنیم. به نظر من همه به عنوان یک معلم کار می‌کنیم، ولی آن‌چه می‌تواند مؤثر باشد شور و شوق معلمی است؛ یعنی یک عنصر ندیدن از جنس دیدن، چیزی که بچه‌ها آن را نمی‌بینند؛ اما حس می‌کنند، شاید نتوانند به زبان بیاورند؛ اما نهایتاً

و از جنس دیگر است، به خصوص در مدارس استثنایی و تیزهوشان که توانایی دانش آموز از آنچه که ما تصور می‌کنیم بیش تر است. کار با معلم‌ها راحت تر است، نظم و نوع پیشروی کلاس در دست ماست در حالی که در کار با دانش آموز این برقراری نظم در دست ما نیست و باید نوسانات را تاب بیاوریم و کنترل کنیم. اگر بخواهم تقسیم‌بندی کنم باید سه مرحله سخن بگویم که در نهایت انسان باید به مرحله‌ی معصومیت کودکانه بازگردد. چه با دانش آموز باشیم و چه با معلم، هر دو از یک جنس هستند، انسانند و باید همه چیز مهیا شود تا یک خروجی مطلوب ایجاد شود. لذت من در آموزش است و دیدن رشد افراد، اما در کدام دوره‌ی سنی، بسیار تفاوت ندارد. تادیوس گولاس در کتاب خود آموزش روشن بینی می‌گوید: «آن کس که فکر می‌کند دیگران محتاج یادگیری اند خود بیش تر محتاج یادگیر است و آن کس که فکر می‌کند دیگران گناهکارند خود بیش تر محتاج توبه

احساس می‌کنند. کلاسی که منبسط است یادگیری مطلوب‌تری حاصل می‌شود. معلمی که منقبض است و درگیر نگرانی‌ها، دغدغه‌ها و استرس‌هاست، همه را به دانش‌آموز منتقل می‌کند و برعکس. خوب روش‌ها هم مهم و متنوع هستند. می‌توانند دوستانه و دموکرات باشند و در خود آزاداندیشی داشته باشند. در دوره‌ی راهنمایی به خاطر ویژگی‌های این سن باید بتوان دانش‌آموز را در حال نگاه داشت. بنابراین مهم است که از روش‌هایی که قدرت تمرکز و توجه ما را افزایش می‌دهد، کمک بگیریم و از بحث‌های کشدار بپرهیزیم. روش‌ها معمولاً با حال و هوای کلاس



ساخته می‌شوند. بارش فکری، حل مسئله، پرسش و پاسخ، روش‌های اکتشافی هدایت شده و نشده، مطالعه‌ی موردی حتی روش بحث و گفت‌وگو مناسب است، اما باید بیش‌تر عینی و عملیاتی کار کنیم. در این دوره باید اکتولوژیک کار کرد تا دانش‌آموز پراکندگی را یاد بگیرد و چیست‌ها را بیاموزد. بحث بازدید علمی می‌تواند مؤثرترین روش تدریس باشد به شرط آن‌که درست اجرا شود.

■ شیوه‌ی اجرای درست آن‌ها چگونه است؟

□ کارها طبق برنامه و زمان بندی، که از قبل تعیین شده، اجرا شود و در طول بازدید علاوه بر موضوعات علمی نظم و ترتیب به دانش‌آموز آموزش داده شود. تنها چیزی که ما را حد می‌زند زمان است، انضباط؛ یعنی رفتن در قالب زمان. یولورن می‌گوید: «بگو وقت خود را چگونه می‌گذرانی تا بگویم چگونه انسانی هستی، آن‌که قدر وقت نمی‌داند، قدر زندگی نمی‌داند.» یکی از نکاتی که

باید آموزش بدهیم انضباط و زمان بندی است. این‌گونه برنامه‌ها می‌تواند در دوره‌ی راهنمایی با توجه به سن آن‌ها تعریف شود. باید علمی-فعالیتی کار کنیم، در دوره‌ی آموزش عمومی ما درون‌داد را تدریس می‌کنیم. در این دوره معمولاً شعاع وجود ندارد، چون دانش‌آموز معصوم‌تر و این زمانی-این مکانی‌تر است راحت‌تر می‌شود شعور ایجاد کرد. ما با مسئله‌ی جزئی و کوچک راحت‌تر کار می‌کنیم. روی هم رفته روش‌ها یکی است، اما شیوه‌ی ارائه متفاوت است که به کلاس، سطح آن و معلم بستگی دارد.

■ در ارائه‌ی شیوه‌ها سهم دبیر را چه قدر می‌دانید؟

□ یک هشتم کار است و بقیه آشفته نشدن که مهم آن است. باید این دغدغه باشد تا معلمان طوری در دوره‌ی آموزش ضمن خدمت آموزش ببینند که لشکرهای آماده در آموزش باشند. یادمان باشد که ناهار مجانی وجود ندارد. سختی بسیار است، آیا کسی می‌تواند خود را تبرئه کند که نظام آموزش و پرورش در سطح ملی دقیق به مسئله نگاه نکرده، ما چه کنیم. هرکس از رگ و ریشه‌ی معلم است باید تمام وجودش را آن‌گونه که می‌گوید و می‌کند، شکل دهد. باید فارغ از خویش باشد، اگر قرار است خسته شود زمانی باشد که کلید را در قفل خانه قرار می‌دهد. کار ما کار دست دوم نیست زندگی انسان‌هاست و ما حق دستکاری بی‌درایت نداریم. اگر معلمی می‌گوید بخوانید و بدانید، اگر خود عمل نکنند تغییری در مخاطب شکل نخواهد گرفت. معلم به محض آن‌که می‌گوید بخوانید باید خود خوانده باشد و اگر می‌گوید بدانید خود باید دانسته باشد.

■ درباره‌ی کتاب‌هایتان بگویید، به نظر می‌رسد با جغرافیا ارتباط ندارند؟

□ جدا از هم نیستند، جغرافیای رفتار نیست، رابطه‌ی متقابل بین ذهن و علم. جز آن است که اگر آلودگی آب‌ها و محیط‌زیست رخ می‌دهد با رفتار ماست. همه چیز را با هم دیدن جغرافیاست نه جدا دیدن. ما تا همه چیز را با هم نبینیم به هدف مطالعات اجتماعی نمی‌رسیم. جغرافیا چیزی در بیرون ما نیست درون ما هم هست. آدم‌ها خودشان را می‌نویسند. محبوب‌ترین کتاب من دفتر عشق و رویت بی‌فاصله است که خروجی افکار من است. هر روز صبح سه صفحه می‌نوشتم و هزار روز مستمر ادامه داشت و از این بابت بسیار خوشحالم چرا که حاصل روزها زحمت و اندیشه‌ی من به بار نشست است.

